info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۱۱
یکشنبه ۹/ تیر/ ۱۳۹۸
۲۶ / شوال / ۱۴۴۰
30 / Jun/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج بلوار نعمان، خیابان فرهنگ، جنب گلون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۳/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

باشعرای کرج

هوایش...

دلتنگی هایم را
با یاد قسمت می کنم
یاد است دست احساسم را بگیرد
می داند چه موقع
خاطرم را پرواز دهد
می فهمد بغضم را
می برد مرا تا اوج آرزوهایم
تا از بند دلتنگی رهاشوم
خوب درکم می کند
اما همین که بند می کند خیالم را به هوایش
دست دلم را رها می کند
یاد هم لگار
عاشقی ست بی آشیانه
خیالش را در مسیر افکار جامی گذارد
و گاهی چنان شتاب دارد برای رفتن
که انگار هرگز نبوده که نیامده
یاد چه قدر شبیه آدم های امروز است

محبوبه یوسف پور

***

دوستت دارم

روضانه ای
ازخون
می دوی در
تمام شریان هایم

از انتهای ماریان
تا بلندای اورست
دوستت دارم

تو اما
چه بی رحمانه
گفتی
از من بگذر
و من سال هاست
در حال
عبور از توأم
نه از عرض باریکت
بلکه از
طول نامتناهی ات

شاهین یهرامی

خبرچه

آتش به جان ۲۰ هکتار از جنگل های ملی قزوین

فرمانده یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری قزوین گفت: ۲۰ هکتار از جنگل های ملی استان قزوین واقع در طارم سفلی چهارشنبه ۵ تیر، آتش گرفته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، بهرام ترکاشوند فزود: این حادثه حدود ساعت ۱۰ در روستای عمقبین از توابع طارم سفلی آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

وی با بیان اینکه تاکنون بیش از ۶۰ نفر در قالب هشت گروه برای خاموش کردن آتش به این محل اعزام شده اند، گفت: مناطق آتش گرفته در حال خاموش شدن است و هنوز از عوامل آتش نشانی کمکی درخواست نشده است.

ترکاشوند به ملی بودن جنگل های عمقبین اشاره کرد و گفت: آتش گرفتن عرصه های طبیعی به خصوص جنگل ها باعث می شود تا منابع طبیعی با خسارات های فراوانی روبرو شود.

فرمانده یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری قزوین در خصوص آتش سوزی روز گذشته در چهار بخش قزوین نیز گفت: پس از خاموش کردن آتش برآورد دقیقی از میزان سوختگی ها انجام شد و مشخص شد که ۹۵ هکتار از مراتع استان شامل اشغال اراضی ملی و مستثنیات در آتش سوخته است.

ترکاشوند تشریح کرد: ۱۵ هکتار در روستای چیدر، ۴۰ هکتار در روستای نیارک، ۲۰ هکتار در روستای اوج قشلاق و ۲۰ هکتار مستثنیات از جمله اراضی سوخته در شب گذشته بوده اند.

این مسئول گفت: با توجه به گرمای شدید هوا شهروندان باید در ۲ روز تعطیلات جمعه و شنبه احتیاط های لازم را به عمل آورده و از هرگونه آتش زدن علفزارها در مراتع طبیعی خودداری کنند.

ترکاشوند خاطرنشان کرد: وش یادبه همه افراد گوه ماه عنوان مهمترین عامل در گسترش آتش سوزی در مراتع شناخته می شود و هرگونه بی احتیاطی می تواند فاجعه عظیمی به بار آورد.

لسل چندین آتش سوزی در مراتع استان قزوین به وقوع پیوسته که برخی از آنها خسارات سنگینی به این سرمایه های ملی وارد کرده است.

مدل هفته

امروز با حافظ

حال دلم از خال تو هست در آتشش وطن
چشمم از آن دو چشم تو خسته شده‌ست و ناتوان
بازنشان حرارتم ز آب دو دیده و ببین
نبض مرا که می‌دهد هیچ ز زندگی نشان

خوانش

ربود هوش مرا چشم او به‌سرمستی

فروغی‌بسطامی

فن تدریج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۳	۰۵:۵۲	۱۳:۰۹	۲۰:۲۵	۲۰:۴۵

برگه

هیچ منظره ای غم انگیز تر از دیدن یک جوان بدبین نیست.

مارک تواین

یادداشت اختصاصی

نامه سرگشاده یک پرستو

مرتضی رویتوند

من یک پرستو هستم. یک پرستوی مهاجر. گاهی این سو هستم گاهی آن سو. پیشه من مهاجرت است. در همه جا پرواز می‌کنم. گاهی در آسمان آبی، گاهی بر فراز شهری شلوغ و گاهی هم در گوشه خانه‌ای سکنی می‌گزینم. من با کسی کاری ندارم. من دنبال زندگی بهتر هستم. حالا این زندگی هر جا می‌خواهد باشد. مهم برای من آرامش خودم و دوستانم است. ما تنها نیستیم، ما یک گروه هستیم که با هم از یک منطقه به منطقه دیگری می‌رویم. ما در طی این رفت و آمد هوای همدیگر را داریم. زمستان‌ها به جاهای گرم و نرم می‌رویم و در بهار هم جای خودمان می‌مانیم. این بهار دقیقا فصل بهار است به من و دوستانم برچسب سیاسی نزنید. من دقیقا یک پرستو هستم. یک پرنده. پرنده که برایتان سیاسی نیست؟ پرنده همان است که پر دارد و پرواز می‌کند.

من سر از کار شما آدم‌ها درنمی‌آورم. همه‌چی شما سیاسی شده است. به گمانم شما وقتی می‌خواهید آب هم بخورید به چپ و راست خود نگاه می‌کنید. این به من مربوط نیست. فقط به عنوان یک غیرهم‌نوع شما را نصیحت می‌کنم که دست از سر ما بردارید! یکی مکار است نفس را می‌گزاید. رودا! دقیقا شما چند تا رودا دیده‌اید که بدهبازی کند و لابی بلد باشد؟ من از همین تریبون اعلام می‌کنم تمام خرس‌ها زحمت‌کش هستند و صبح تا شب دنبال یک لقمه نان می‌دوند. آن‌وقت شما به کسی که تنبل است می‌گویید خرس؟ بزرگوران یک گاو خیلی هم می‌فهمد! او از چراگاه تا خانه‌اش را چشم‌بسته می‌رود. آن‌وقت به کسی نفهمد می‌گویید گاو؟! این خرگوش با وقار و متین برای شما شده است نماد بازیگوشی؟! خلاصه دل ما حیوانات از دست شما خون است. خواهشمند دو فرهنگ خود را اصلاح کنید.

یادداشت اختصاصی

مِلک و مُلک از آن خداست

- مرحوم سر رشته دار - یاد که اولین مدرسه در ایگان - یکی از اولین مدارس کرج را- تاسیس کرده و بر طبق وصیت خود در ایوان مدرسه دفن شده اند. عمر ما بایست تا دم پاک شد تا امین مخزن افلاک شد.

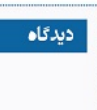

عباس امامی

خوانده ای اناالیه راجعون
تا ببینی که کجا می رویم

مهراب رجبی

در مجلس ترحیم مرحوم شادروان کریم آقا خانی شرکت و به اصرار فرزند ارجمند ایشان، دوست عزیزم آقای دکتر فرهاد آقا خانی، سخنرانی کردم. محور سخنانم وصیت نامه قابل تامل و سرآمد پند و پر از نکات عبرت آموز مرحوم عمو کریم بود.

این کشاورز روستایی که معلم قرآن و معتمد محل (روستای ایگان) بود در سه دهه آخر عمر نسبتا طولانی (نود و پنج ساله) خود حدود سی وصیت نامه هر سال یک وصیت نامه- نوشته و این، آخرین وصایای وی می باشد که در شب قدر ماه رمضان امسال نوشته بودند. بعد از سفرش به حقیقت توحید و یقین به آخرت (بالاخره هم یوقنون) توجه به اخلاق و رعایت حقوق مردم، جان کلام و اس و اساس این وصیت نامه را تشکیل می دهد.

فرازهایی از وصیت:

نماز قضا ندارم، فقط پارنده روز روزه -نهم از ماه رمضان امسال -بر ذمه ام باقی مانده. به کسی بدهکار نیستم. اگر کسی ادعای طلب کرد، تقدیمش نمایید از کسانی هم که طلب دارم (نام هایشان محفوظ) اگر توان باز پرداخت ندارند حلال نمایید.

در اطراف و به دور باغ ما حفظ و حصار نکشید(ملک و ملک از آن خداست) حصار نکشید. تا اگر افرادی تمایل داشتند از میوه های باغ استفاده نمایند، به راحتی و بدون زحمت و مزاحمت بتوانند از میوه ها استفاده فرمایند(و فاتحه مه ما بخورون) در ادامه این بند از وصیتنامه خطاب به فرزندانش افزوده است، به هنگام ورود به باغ اگر فرد یا افرادی در حال استفاده از ثمرات بودند، مسیر خود را تغییر داده تا موجب خجالت زدگی (انسان ها) نشوید!

وصیت تمام شد اما زندگی جاوید حاج آقا کریم تازه آغاز شد.

*فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر *

حضرت ایشان را فقط یک بار زیارت کرده بودم. سال گذشته در یکی از اعیاد دینی، در محل شورای روستا که مهمان برادرم آقای سعید آقاخانی (دهیار پر تلاش و خوش اخلاق ایگان) بودم. ضمن ابراز لطف، از حقیر تقاضا داشتند تا در خصوص بزرگداشت نام و یاد مرحوم سرهنگ ایگانی که حدود هفتاد سال پیش در بخشی از زمین مسکونی خود، مدرسه ایگان را تاسیس کردند، اقدام نمایم.

درود خدا بر مرحوم کریم و همسرشان (محمل خانم) که پیش از چهل سال پیش فوت کرده و حاج کریم دیگر بعد از مشارالیها همسر دیگری اختیار نکردند. همچنین رحمت الهی شامل حال سرهنگ ایگانی باشد؟ خواهش می کنم دست از سر ما بردارید! یکی شما گاهی ما حیوانات را هم وارد سیاست‌های خود می‌کنید. اصلا ما از شما شکایت داریم. چرا کارهای خودتان را به ما حیوانات نسبت می‌دهید؟ تازگی من شدم نقل محافل شما! حلا چرا پرستو؟ یگویید پنجره، درخت، لیوان! چرا از من مایه می‌گذارید؟ این که بار اولتان نیست. شما مسبوق سابقه هستید. شما فیلم هم می‌سازید نفس را می‌گذارید گرگ وال استریت! خب نفس را بگذارید آدم وال استریت! اصلا مگر ما با شما کاری داریم؟! تا حالا شده است نام یک کبوتر و یا کانگورو «شبان» و یا «سعید» باشد؟ خواهش می‌کنم دست از سر ما بردارید! یک مکار است نفس را می‌گزاید. رودا! دقیقا شما چند تا رودا دیده‌اید که بدهبازی کند و لابی بلد باشد؟ من از همین تریبون اعلام می‌کنم تمام خرس‌ها زحمت‌کش هستند و صبح تا شب دنبال یک لقمه نان می‌دوند. آن‌وقت شما به کسی که تنبل است می‌گویید خرس؟ بزرگواران یک گاو خیلی هم می‌فهمد! او از چراگاه تا خانه‌اش را چشم‌بسته می‌رود. آن‌وقت به کسی نفهمد می‌گویید گاو؟! این خرگوش با وقار و متین برای شما شده است نماد بازیگوشی؟! خلاصه دل ما حیوانات از دست شما خون است. خواهشمند دو فرهنگ خود را اصلاح کنید.

دیدگاه

سکه ای که مالیات گرفت

هفته پیش وزارت اقتصاد میزان مالیات دریافتی از سکه های خریداری شده توسط مردم را اعلام کرد آنچه ابهام این تصمیم را بیشتر می کند چند مورد است:

۱ـ آیا در آمدی ایجاد شده است که براساس آن مالیات اخذ می شود؟

۲ـ قبل از خرید به خریدار ان اطلاع رسانی شده است؟

۳ـ مهم ترین مسئله چرایی گرایش مردم به خرید سکه و طلا است.

اصولا چرا مردم در مواقع بحران و کاهش ارزش پول کشور اقدام به خرید سکه و طلا می کنند؟ نقش بانک مرکزی و نظامات پولی و مالی کشور چیست؟ برای پاسخ به این سوال نگاهی می کنیم به مهمترین وظیفه بانک مرکزی ایران.

«رسالت اصلی بانک مرکزی اجرای سیاست های پولی و اعتباری و ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت اقتصادی کشور بوده و در این راه حفظ ثبات ارزش پول و تعادل موازنه پرداخت ها به همراه رشد مداوم اقتصادی از طریق سیاست های پولی مد نظر می باشد. »

براساس کدام منطق از مردم توقع دارید که وقتی می بینید ارزش سرمایه هایشان در بانک ها و موسسات مالی و اعتباری یک باره به یک سوم کاهش پیدا می کند همچنان به حفظ آن در بانک ها اصرار داشته باشند؟ کدام منطق اقتصادی تاکید به هدر رفتن سرمایه های مردم در بانک ها دارد؟ آیا بانک مرکزی توانسته است مهمترین وظیفه خود را انجام دهد که توقع دارد مردم نیز همراهی نمایند؟ پاسخ و مسئولیت اتلاف سرمایه های مردم در بانک ها به عهده چه کسی است؟

آیا مردم حق ندارند از دولت خسارت بگیرند؟ آیا مردم حق ندارند خسارت وارده به سرمایه های خود را در نزد بانک ها از دولت مطالبه کنند؟ اگر قرار است مالیات به سکه وضع شود با الطبع آن باید جبران خسارت مردم نیز شود که به دولت و سیاست های بانک مرکزی اطمینان کرده و اقدام به سرمایه گذاری در بانک ها و خرید اوراق مشارکت کرده اند.

چگونه می توان از مردم مالیات بر سکه گرفت در حالی که در هنگام خرید قانونی برای آن وضع نشده بود؟ این رفتارها و قوانین خلق الساعه اعتماد عمومی جامعه را نسبت به دولت کاهش داده و ناگزیر مردم را به دیگری برای ثبات پول خود پیدا خواهند کرد.

یادآوری این نکته ضروری است که همیشه مردم بهترین تصمیمات اقتصادی را گرفته اند.

گزارش

موانع صادرات هنر ایران چیست؟

دفتر هنرهای تجسمی در وزارت ارشاد روزهای پرخبری را از سر می گذراند. این دفتر چندی پیش مصوبه‌ای را در اجلاس مجسمه‌سازی ایران اجرایی کرد که پیکرتراشان را وادار می کرد برای ادامه فعالیت رسمی خود مجوز بگیرند. این مصوبه با حاشیه‌های بسیاری روبه‌رو شد و هنرمندان زیادی را به اعتراض و انتقاد از این تصمیم واداشت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، هنوز چند روزی از این قضیه نگذشته بود که تمام دفتر امور هنرهای تجسمی وزارت ارشاد باز دیگر در میان حاشیه‌سازها قرار گرفت. قضیه این است که گویا در تصمیمی که تازه رسانه‌ای شده است، ورود و خروج آثار تجسمی از مرزهای کشور را محدود و ملزم به دریافت مجوز از ارشاد کرده است. اتفاقی که گویا پیش‌تر درباره آثار معاصر وجود نداشت و درباره خروج آثاری با قدمت بالای صد سال هم سازمان میراث فرهنگی مجوزش را صادر می‌کرد این تصمیم باز دیگر صنف هنرهای تجسمی را به دردسر کشانده و هنرمندان و گالری‌دارها به این تصمیم ارشاد اعتراض کرده و از چرایی و چگونگی آن اظهار شگفتی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد ماجرا از آنجا شروع شد که لادن حیدری مدیرکل دفتر حقوقی و امور ملکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دقیقا دو سال پیش گفت اگر اثری نفیس باشد برای خروج از کشور به مصوبه هیات دولت نیاز دارد. سازمان میراث فرهنگی هم مصوبه‌ای دارد که در آن برای خروج اموال فرهنگی، تاریخی و هنری ضوابطی را پیش‌بینی و این آثار را درجه‌بندی کرده است. سازمان میراث فرهنگی مجوزهای خود یا هیات دولت را شرط خروج این آثار از کشور دانسته است. حیدری در پاسخ به این پرسش که «نفیس» به چه آثاری گفته می‌شود، بیان کرد: تشخیص نفیس بودن یک اثر یک کار کاملا فنی و کارشناسانه است. آثار نفیس عمدتا به غیر از ارزش مالی، دارای ارزش هنری - تاریخی هم هستند. اما این موضوع مطلق نیست و به تشخیص کارشناسان بستگی دارد. حالا این قضیه در گمرک کشور جریان دارد و ورود و خروج بسیاری از آثار هنری را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است.

نقدها

در روزهای اخیر بسیاری از گالری‌داران اظهار کرده‌اند که این قانون کسب و کار آنها را محدود کرده و تنگناهای فراوانی را برای مشتریان خارجی بازار هنر به وجود آورده و حیلی‌ها عطای خرید اثر را به لقایش بخشیده‌اند. در همین رابطه مژده طباطبایی مدیر گالری «مژده» معتقد است این قانون در زمینه آثار معاصر قابل اجرا نیست و می‌گوید: اعمال این قانون به ویژه برای ورود آثار، مشکلاتی را برای اهالی هنر به وجود می‌آورد. هنرمند وقتی زنده است رفت‌وآمد به خارج از ایران دارد و ممکن است در خارج از ایران آثاری خلق کند که بخواهد آنها را وارد کشورش کند. به‌طور مثال بسیاری از هنرمندان به منظور برگزاری نمایشگاه در خارج از ایران و نپرداختن مبلغ گراف حمل و نقل آثار، در خارج از ایران آثارشان را خلق می‌کنند و بعد از برگزاری نمایشگاه به کشور برامی‌گردانند. من فکر می‌کنم باید درباره آثاری که قدمت دارند، ممنوعیت خروج وجود داشته باشد. نه درباره آثار معاصر. این فعال بازار هنرهای تجسمی با تاکید بر اینکه اعمال این قانون باید شامل آثاری با قدمت تاریخی و گران‌قیمت باشد، گفت: در این زمینه هم پیش آمده است که برخی افراد قصد دارند میراث خانوادگی خود را از کشور خارج کنند؛ میراثی که از پدرانشان به آنها رسیده و در زمان گذشته کپارزش بوده و حالا ارزش گزاف پیدا کرده است ولی به هر حال میراث خانوادگی آنهاست و والدین آنها فوت کرده یا مهاجرت کرده‌اند و می‌خواهند با خود ببرند این افراد چه باید بکنند؟

ماجرا چیست؟

در مقابل لادا هادی مظفری مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری صبا درباره ضوابط ورود و خروج آثار هنری از گمرک ایران می‌گوید: قانون نظارت بر ورود و خروج آثار هنری در گمرک از قدیم وجود داشته و موضوع تازه‌ای نیست. اعمال این قانون به این دلیل صورت می‌گیرد که با هماهنگی وزارت ارشاد و گمرک ایران از ورود آثار هنری کپی یا نازل و ضعیف به داخل کشور و همچنین از خروج آثار هنری ارزشمند با پیشینه تاریخی که در زمره میراث فرهنگی ما قرار دارند، جلوگیری می‌کنیم. مظفری تصریح کرد: گاهی یک اثر هنری ساخته هنرمندان کشورمان که قیمت مشخصی دارد، می‌تواند با اختصاص یک‌پنجم قیمت واقعی آن بصورت کپی از کشورهای همسایه وارد ایران شود که این اثر ضعیف، هنر کشورمان را تهدید می‌کند؛ بنابراین به منظور حمایت از حقوق هنرمندان کشورمان، با همکاری وزارت ارشاد و گمرک جمهوری اسلامی ایران، اعمال این قانون بر ورود و خروج آثار هنری صورت می‌گیرد. وی تاکید کرد: این قانون گمرک است که برای ورود یا خروج آثار هنری نیاز به تاییدیه وزارت ارشاد دارد که شامل آثار هنری ایرانی و خارجی می‌شود.

بریده جراید

شاهنامه چرا ماند و چرا باید بماند؟

ایسنا - نغمه دادمور، استاد زبان و ادبیات فارسی از رازهای ماندگاری «شاهنامه» می‌گوید و به دلایلی اشاره می‌کند که تکلیف حفظ این اثر ملی را برای آیندگان واجب می‌کند.

در سده اخیر، شاهنامه‌پژوهی یکی از اهداف رشته ادبیات و ایران‌شناسی بوده، اما پیش از این سده نیز عواملی باعث شده تا این اثر مکتوب کهن حفظ شود و به نسل‌های اخیر برسد تا بالاخره شاهنامه‌پژوهی، در ابعاد تخصصی، از زمان ظهور دانشگاه‌ها در ایران مرسوم شود.

عواملی که باعث شده متن «شاهنامه» که به گونه‌ای سند حیثیت و هویتی کشور ماست، در این سال‌ها کامل و بی‌تغییر محفوظ بماند چیست؟ نغمه دادمور علت عوامل طولانی این اثر را خوانده شدن مدلوم «شاهنامه» طی این هزاره می‌داند و درباره دلایل این جذابیت سخن می‌گوید.

به اعتقاد این استاد ادبیات، یکی از دلایلی که «شاهنامه» در دوران مختلف مورد علاقه مردم قرار گرفته این است که به نسبت سایر آثار ادبی زبان ساده‌ای دارد و در خوانش این اثر کمتر به فرهنگ لغت احتیاج است و درصد بالایی از ابیات این اثر هم بدون هیچ جابه‌جایی و آسان‌سازی قابل فهم است.

او با خوانش ابیاتی برای تصدیق این ادعا گفت: فردوسی از زبان مردم زمان استفاده کرده، نه زبان دربار و زبانی که با غربی آمیخته شده باشد. از طرف دیگر، به همین جهت که مردم، شاهنامه را به خانه‌های خود آورده‌اند، زبان شاهنامه تا این دوره همراه ما بوده و زبان ما به این متن نزدیک مانده است.

به گفته دادمور و بنا بر پژوهش‌های اخیر، حدود ۷۲۶ واژه عربی در ۵۰۰۰ بیت «شاهنامه» وجود دارد. فردوسی در سرایش این اثر از زبان مادری خود، فارسی بهره برده و غیرت او بر ایران و زبان ایرانی باعث جدیت او در انجام این امر شده، ضمن این که منابعی که در دسترس او بوده، عموماً کهن و کمتر به واژگان بیگانه آغشته بوده‌اند.

این ادبیات‌پژوه در ادامه صحبت‌هایش درباره راز ماندگاری «شاهنامه» اظهار کرد: «شاهنامه» همواره عفت کلام و حدود فرهنگی را حفظ کرده است. در هیچ کجای «شاهنامه»، فردوسی پای خود را از دایره ادب فراتر نگذاشته و در گفتن از ویژگی‌های بد، تنها به اشاراتی غیرمستقیم کفایت می‌کند. در حالی که در آثار شعرای دیگر، بعضاً موضوعات داستان‌ها واژگان و مفاهیمی وجود دارد که خواندنش مناسب تمام اعضای خانواده نیست.

او افزود: ویژگی دیگر «شاهنامه» که باعث ماندگاری آن علی قرون بوده، بلاغت «شاهنامه» است. یعنی تشبیهات، کنایات، استعارات و دیگر ارکان ادبی که این اثر را خواندنی کرده است. پیش و پس از «شاهنامه»، منظومه‌های اساطیری زیادی سروده شده، اما اثر فردوسی از همه ماندگارتر بوده و هیچ کس نتوانسته حتی بعد از فردوسی، اثری مشابه آن را ایجاد کند.

به اعتقاد دادمور، تنوع موضوعی از دیگر دلایل ماندگاری این اثر است. همچنین درون‌مایه قوی «شاهنامه»، انسان را با سه جهان اساطیری، تاریخی و پهلوانی آشنا می‌کند که حد و مرز این سه جهان در طول داستان‌ها مجزا و قابل تفکیک نیست. هیچ کدام از کتاب‌های کهن، به‌خوبی خود به‌اندازه «شاهنامه» کامل نیستند. ضمن این که زبان «شاهنامه»، زبان شعر است و دیگر کتاب‌ها به‌اندازه «شاهنامه» جذاب نبوده‌اند.

به گفته این استاد ادبیات، «شاهنامه» علاوه بر داستانی بودنش، یک دایره‌المعارف پویا از آداب کهن ایران است و همان‌طور که یک جد محبوب و مرحوم دارید و می‌خواهیم بدانیم که چه ویژگی‌هایی داشته و کدام از ما به او شبیه‌تر هستیم، خواندن «شاهنامه» هم برای ایرانیان همین کارکرد را دارد و ما همواره کنجکاو بوده‌ایم بدانیم که آداب آن روزگار چه بوده و چه آدابی از بین آن‌ها باقی مانده است.

این استاد ادبیات به آداب و رسوم کفن و دفن ایرانیان باستان که از لشکر «شاهنامه» قابل استخراج است نیز اشاره کرد و در توضیح آداب دیگری که امروزه کمتر متداول است، گفت: ما از خلال داستان‌های «شاهنامه» می‌فهمیم که در غالب موارد، زن خواستار مرد می‌شده؛ چه در داستان بیژن و منیژه، چه در داستان تهمینه و رستم و زال و رودابه و به‌نوعی در داستان گشتاسب و دختر یادشاه روم. این می‌تواند ارتباطی با آداب و رسوم آن زمان داشته باشد و حداقل می‌توان گفت که خواستگاری زن از مرد در آن دوره عیب، محسوب نمی‌شده است.

از نظر او، «شاهنامه» اگر مورد استقبال مردم هم قرار نمی‌گرفت باز به‌واسطه نامش، حفظ می‌ماند چرا که این اثر همواره در تمام دوران، در دربار محفوظ بوده، اما در زگونه بودن این کتاب هم خود دلیلی بر توجه بیشتر به این اثر بوده است. از جمله این اندرزها می‌توان به بیت «اگر پشه از شاه یابد ستم/ روانش به دوزخ بماند دژم» اشاره کرد. بنا به گفته این استاد ادبیات، «شاهنامه» دارای نوع عالی روایت است و فردوسی چگونگی روایت‌ها را همراه با جزئیات شرح می‌دهد. همین امر باعث می‌شود که تخیل گاهی‌گام با این کتاب همراه شود. «شاهنامه» در خود طنز هم دارد. راوی آن قضایا را به گونه‌ای تعریف می‌کند که مخاطب می‌داند چه اتفاقی در داستان افتاده، اما هیچ کس در داستان نمی‌داند و خوانده خوانش خود را دنبال می‌دهد تا ببیند شخصیت‌ها چگونه می‌فهمند که چه اتفاقی افتاده است.

او ادامه داد: «شاهنامه» یک تراژدی به مفهوم نبرد خدایان با یکدیگر در سبک یونانی و هندی و در سبک ایرانی جنگ انسان با قضا و قدر است. در کنار تمام عناصر گفته‌شده، فردوسی متکلم وحده نیست و سخن را از زبان خود پهلوانان بیان می‌کند، ضمن این که فردوسی در شخصیت‌پردازی بسیار قوی عمل کرده، تا آن‌جا که مخاطب با شناختش از شخصیت‌ها حتی می‌تواند تصور کند که اگر هر کدام از آن‌ها در روزگار ما باشند چه خواهند کرد؟

به گفته دادمور، دلایل فراملتی‌ای هم وجود دارد که «شاهنامه» را در روزگار ما خواندنی می‌کند: «شاهنامه» شادی‌آفرینست و خواندن آن در روزگار ما به‌نوعی روان‌درمانی است. «شاهنامه» تصویر عظمت جهانی است که یکسره شاد و آباد است و خواندن و تصور کردن این آبادانی به ما آرامش می‌دهد؛ یادمان می‌آورد ما در ایرانی زندگی می‌کنیم که زمانی این گونه بوده، آباد و سرشار از زنان و مردانی که تمام تلاششان حفظ ایران بوده، کیان ایران، کیان آن‌ها بوده و اگر هر جنگ و شری برای آن‌ها پیش می‌آمده، در نهایت گذرا بوده است.

این استاد ادبیات ایران از میدوری کرد که اگر الان روحیه خود را از دست داده‌ایم شاید با خواندن «شاهنامه» قدری به اینکه شاید ما هم بتوانیم به آن‌ها شبیه شویم، ایمان بیاوریم.

او در ادامه، «شاهنامه» را «کتاب گریه» هم دانست و گفت: آبادانی و شادی ایران تا حمله به ایران ادامه پیدا می‌کند و «شاهنامه» از این پس، کتاب مویه و نوحه‌ای بر ایران و تمدنی می‌شود که از بین رفته است.

به نظر دادمور، حدّ قل دلیلی که می‌توان برای حفظ «شاهنامه» در نظر گرفت این است که متنی که بعد از این همه سال توان داشته ما را بخندد، بگریاند و ذوق و آرزو در دل ما ایجاد کند ارزش حفظ آدمی را هم دارد.

او با جمع‌بندی مطالب گفته‌شده اظهار کرد: پس «شاهنامه» را می‌خوانیم؛ اول به دلیل این که یک شاهکار ادبی است و دیگر این که لازم است تا با اسطوره‌های کهن آشنا شویم؛ با زبان ملی «شاهنامه» خو بگیریم و دایره واژگانمان را غنی و واژگان تازه به آن اضافه کنیم. می‌خوانیم تا با سنت‌ها و رسوم ایران کهن آشنا شویم و داستان‌های ملی خود را یاد بگیریم. می‌خوانیم، تا این داستان‌ها را به‌عنوان سرمایه‌های ملی به نسل آینده انتقال دهیم و در آخر، می‌خوانیم تا با عینک «شاهنامه» به پیرامون خود نگاه کنیم و بتوانیم زندگی آزادتر و بهتری داشته باشیم.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۲۰۲۰۰۰